درس شصت و دوم - اثبات واجب الوجود

شامل: مقدمه برهان اول برهان امکان برهان دوم برهان شیخ الرئیس برهان سوم برهان صدر المتالهین

مقدمه

دلایلی که برای اثبات وجود خدای متعال اقامه شده فراوان و دارای اسلوبهای گوناگونی است و بطور کلی می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد .

دسته اول دلایلی است که از راه مشاهده آثار و آیات الهی در جهان اقامه می‌شود مانند دلیل نظم و عنایت که از راه انسجام و همبستگی و تناسب پدیده‌ها وجود طرح و هدف و تدبیر حکیمانه کشف و ناظم حکیم و مدبر علیم برای جهان اثبات می‌گردد این دلایل در عین حال که روشن و دلنشین و خرسند کننده است پاسخگوی همه شبهات و وساوس نیست و در واقع بیشتر نقش بیدار کردن فطرت و به آگاهی آوردن معرفت فطری را ایفاء می‌کند .

دسته دوم دلایلی است که از راه نیازمندی جهان وجود آفریدگار بی نیاز را اثبات می‌کند مانند برهان حدوث که از راه مسبوق بودن پدیده‌ها به عدم و نیستی نیازمندی ذاتی آنها اثبات می‌شود و سپس به کمك ابطال دور و تسلسل آفریننده بی‌نیاز اثبات می‌گردد یا برهان حرکت که از راه نیازمندی حرکت به محرك و محال بودن تسلسل محرکات تا بی نهایت وجود خدا بعنوان نخستین پدید آورنده حرکت در جهان اثبات می‌شود یا دلایلی که از راه ابداعی بودن نفوس و صور جوهریه و عدم امکان صدور آنها از فاعلهای طبیعی و مادی وجود علت هستی‌بخش و بی‌نیاز اثبات می‌گردد این دلایل نیز کمابیش نیازمند به مقدمات حسی و تجربی می‌باشد .

دسته سوم دلایل فلسفی خالص است که از مقدمات عقلی محض تشکیل می‌شود مانند برهان امکان و برهان صدیقین این دسته از براهین ویژگیهای خاصی دارند نخست آنکه نیازی به مقدمات حسی و تجربی ندارند دوم آنکه شبهات و وساوسی که در پیرامون دیگر دلایل مطرح می‌شود به اینها راه نمی‌یابد و به دیگر سخن از اعتبار منطقی بیشتری برخودار است و سوم آنکه مقدمات این براهین کمابیش مورد حاجت در دیگر استدلالات نیز هست مثلا هنگامی که ناظم و مدبر حکیم یا محدث یا محرك اول اثبات شد باید برای بی‌نیازی ذاتی و واجب الوجود بودن او از مقدماتی استفاده کرد که در براهین دسته سوم مورد استفاده قرار می‌گیرند .

با این همه سایر دلایل مزیتی دارند که دسته سوم فاقد آن است و آن عبارت است از اینکه براهین دسته سوم تنها موجودی را بعنوان واجب الوجود اثبات می‌کند و اثبات علم و قدرت و حکمت و حتی جسم نبودن و مغایرت او با عالم مادی نیازمند به براهین دیگری است .

ما در اینجا تنها به ذکر بعضی از براهین دسته سوم بسنده می‌کنیم و نخست به اثبات واجب الوجود و سپس به بیان صفات وی می‌پردازیم

برهان اول

یکی از براهین معروف فلسفی برای اثبات واجب الوجود برهانی است که بنام برهان امکان یا برهان امکان و وجوب نامیده می‌شود و از چهار مقدمه تشکیل می‌یابد:

1- هیچ ممکن الوجودی ذاتا ضرورت وجود ندارد یعنی هنگامی که عقل ماهیتش را در نظر می‌گیرد آن را نسبت به وجود و عدم یکسان می‌بیند و صرف نظر از وجود علت ضرورتی برای وجود آن نمی‌بیند .

این مقدمه بدیهی و بی‌نیاز از اثبات است زیرا محمول آن از تحلیل مفهوم موضوع بدست می‌آید و فرض ممکن الوجود بودن عینا فرض نداشتن ضرورت وجود است .

2- هیچ موجودی بدون وصف ضرورت تحقق نمی‌یابد یعنی تا هنگامی که همه راههای عدم به روی آن مسدود نشود بوجود نمی‌آید و بقول فلاسفه الشیء ما لم یجب لم یوجد به دیگر سخن موجود یا ذاتا واجب الوجود است و خود بخود ضرورت وجود دارد و یا ممکن الوجود است و چنین موجودی تنها در صورتی تحقق می‌یابد که علتی آن را ایجاب کند و وجود آن را به سر حد ضرورت برساند یعنی بگونه‌ای شود که امکان عدم نداشته باشد این مقدمه هم یقینی و غیر قابل تشکیك است .

3- هنگامی که وصف ضرورت مقتضای ذات موجودی نبود ناچار از ناحیه موجود دیگری به آن می‌رسد یعنی علت تامه وجود معلول را ضروری بالغیر می‌سازد .

این مقدمه نیز بدیهی و غیر قابل تردید است زیرا هر وصفی از دو حال خارج نیست‌یا بالذات است و یا بالغیر و هنگامی که بالذات نبود ناچار بالغیر خواهد بود پس وصف ضرورت هم که لازمه هر وجودی است اگر بالذات نباشد ناچار در پرتو موجود دیگری حاصل می‌شود که آن را علت می‌نامند .

4- دور و تسلسل در علل محال است این مقدمه هم یقینی است و در درس سی و هفتم بیان گردید .

با توجه به این مقدمات برهان امکان به این صورت تقریر می‌شود موجودات جهان همگی با وصف ضرورت بالغیر موجود می‌شوند زیرا از یکسوی ممکن الوجود هستند و ذاتا وصف ضرورت را ندارند مقدمه اول و از سوی دیگر هیچ موجود بدون وصف ضرورت تحقق نمی‌یابد مقدمه دوم پس ناچار دارای ضرورت بالغیر می‌باشند و وجود هر یك از آنها بوسیله علتی ایجاب می‌شود مقدمه سوم .

اکنون اگر فرض کنیم که وجود آنها بوسیله یکدیگر ضرورت می‌یابد لازمه‌اش دور در علل است و اگر فرض کنیم که سلسله علل تا بی نهایت پیش می‌رود لازمه‌اش تسلسل در علل است و هر دوی آنها باطل و محال می‌باشد مقدمه چهارم پس ناچار باید بپذیریم که در راس سلسله علتها موجودی است که خود بخود ضرورت وجود دارد یعنی واجب الوجود است .

این برهان را بصورت دیگری نیز می‌توان تقریر کرد که نیازی به مقدمه چهارم ابطال دور و تسلسل نداشته باشد و آن این است مجموعه ممکنات به هر صورت فرض شود بدون وجود واجب الوجود بالذات ضرورتی در آنها تحقق نمی‌یابد و در نتیجه هیچیك از آنها موجود نمی‌شود زیرا هیچکدام از آنها خود بخود دارای ضرورتی نیستند تا دیگری در پرتو آن ضرورت یابد و به دیگر سخن ضرورت وجود در هر ممکن الوجودی ضرورت عاریتی است و تا ضرورت بالذاتی نباشد جایی برای ضرورتهای عاریتی نخواهد بود .

نیز می‌توان آن را بصورت فشرده‌ای تقریر کرد که موجود یا واجب الوجود بالذات است و یا واجب الوجود بالغیر و هر واجب الوجود بالغیری ناچار منتهی به واجب الوجود بالذات می‌شود کل ما بالغیر ینتهی الی ما بالذات پس واجب الوجود بالذات ثابت می‌شود

برهان دوم

برهان دوم برهانی است قریب الماخذ به برهان اول که از سه مقدمه تشکیل می‌یابد:

1- موجودات این جهان ممکن الوجود هستند و ذاتا اقتضائی نسبت به وجود ندارند زیرا اگر یکی از آنها واجب الوجود باشد

مطلوب ثابت‌خواهد بود .

این مقدمه نظیر مقدمه اول در برهان سابق است با این فرق ظریف که در برهان سابق تکیه بر ضرورت وجود و نفی آن از ممکنات بود و در اینجا تکیه بر خود وجود است .

2- هر ممکن الوجودی برای موجود شدن نیازمند به علتی است که آن را بوجود بیاورد این مقدمه عبارت دیگری از نیازمندی هر معلولی به علت فاعلی است که در مبحث علت و معلول به اثبات رسید و نظیر مقدمه سوم در برهان سابق است با همان فرق که اشاره شد .

3- دور و تسلسل در علل محال است این مقدمه عینا همان مقدمه چهارم در برهان سابق است .

با توجه به این مقدمات برهان به این صورت تقریر می‌شود هر یك از موجودات این جهان که علی الفرض ممکن الوجود هستند نیازمند به علت فاعلی می‌باشند و محال است که سلسله علل تا بی‌نهایت پیش رود یا رابطه دور میان آنها بر قرار باشد پس ناچار سلسله علل از جهت آغاز به علتی منتهی خواهد شد که خودش نیازمند به علت نباشد یعنی واجب الوجود باشد .

این برهان را شیخ الرئیس در اشارات به این صورت تقریر کرده است موجود یا واجب الوجود است و یا ممکن الوجود اگر واجب الوجود باشد مطلوب ثابت است و اگر ممکن الوجود باشد باید منتهی به واجب الوجود شود تا دور یا تسلسل لازم نیاید و آن را متین‌ترین برهانها دانسته و بنام برهان صدیقین نامگذاری کرده است .

امتیاز این تقریر آن است که علاوه بر اینکه نیازی به بررسی صفات مخلوقات و اثبات حدوث و حرکت و دیگر صفات برای آنها ندارند اساسا نیازی به اثبات وجود مخلوقات هم ندارد زیرا مقدمه اول بصورت فرض و تردید بیان شده است .

به دیگر سخن جریان این برهان فقط منوط به پذیرفتن اصل وجود عینی است که بدیهی و غیر قابل تشکیك می‌باشد و کسی می‌تواند این اصل را نپذیرد که بدیهی‌ترین وجدانیات و معلومات حضوری خودش را هم انکار کند و مطلقا وجود هیچ موجودی حتی وجود خودش و فکرش و سخنش را هم نپذیرد .

اما کسی که اصل وجود عینی را پذیرفت به او گفته می‌شود وجود عینی یا واجب الوجود است و یا ممکن الوجود و فرض سومی ندارد در صورت اول وجود واجب ثابت است و در صورت دوم ناچار باید وجود واجب الوجود هم پذیرفته شود زیرا ممکن الوجود محتاج به علت است و برای اینکه دور و تسلسل لازم نیاید باید سلسله علتها منتهی به واجب الوجود گردد .

در این دو برهان چنانکه ملاحظه می‌شود تکیه بر روی امکان موجودات است که صفتی عقلی برای ماهیت آنها می‌باشد و از راه این صفت نیاز آنها به واجب الوجود اثبات می‌شود و از این روی می‌توان آنها را به یك معنی برهان لمی تلقی کرد چنانکه در درس سابق توضیح داده شد اما محور بحث را ماهیت و امکان ماهوی قرار دادن با قول به اصالت وجود چندان تناسبی ندارد از این روی صدر المتالهین برهان دیگری را اقامه فرموده که مزایای ویژه خودش را دارد و آن را برهان صدیقین نامیده و برهان شیخ را شبیه به برهان صدیقین قلمداد کرده است

برهان سوم

این برهان را صدر المتالهین بر اساس اصول حکمت متعالیه که خود وی آنها را بیان کرده است اقامه فرموده و آن را استوارترین براهین و شایسته نام برهان صدیقین دانسته است این برهان بصورتهای مختلفی تقریر شده ولی بنظر می‌رسد که متین‌ترین آنها همان تقریر خود وی می‌باشد و بیان آن از سه مقدمه تشکیل می‌یابد:

1- اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت چنانکه در درس بیست و هفتم به اثبات رسید .

2- مراتب داشتن وجود و تشکیك خاص بین علت و معلول بگونه‌ای که وجود معلول استقلالی از وجود علت هستی‌بخش ندارد [1]

3- ملاك نیاز معلول به علت همان ربطی بودن و تعلقی بودن وجود آن نسبت به علت و بعبارت دیگر ضعف مرتبه وجود آن است و تا کمترین ضعفی در موجودی وجود داشته باشد بالضروره معلول و نیازمند به موجود عالیتری خواهد بود و هیچگونه استقلالی از آن نخواهد داشت [2]

با توجه به این مقدمات می‌توان برهان صدیقین را بر اساس مشرب صدر المتالهین به این صورت تقریر کرد .

مراتب وجود به استثناء عالیترین مرتبه آن که دارای کمال نامتناهی و بی‌نیازی و استقلال مطلق می‌باشد عین ربط و وابستگی است و اگر آن مرتبه اعلی تحقق نمی‌داشت‌سایر مراتب هم تحقق نمی‌یافت زیرا لازمه فرض تحقق سایر مراتب بدون تحقق عالیترین مرتبه وجود این است که مراتب مزبور مستقل و بی‌نیاز از آن باشند در حالی که حیثیت وجودی آنها عین ربط و فقر و نیازمندی است .

این برهان علاوه بر اینکه از مزایای برهان شیخ برخودار است از چند جهت بر آن نیز برتری دارد .

یکی آنکه در این برهان بر مفاهیم وجودی تکیه شده و از ماهیت و امکان ماهوی ذکری به میان نیامده است و روشن است که چنین برهانی با اصالت وجود مناسبتر می‌باشد .

دوم آنکه نیازی به ابطال دور و تسلسل ندارد بلکه خودش برهانی بر ابطال تسلسل در علل فاعلی نیز هست [3]

سوم آنکه به کمك همین برهان نه تنها وحدت بلکه سایر صفات کمالیه خدای متعال را نیز می‌توان اثبات کرد چنانکه در جای خودش اشاره خواهد شد

خلاصه

1- دلایل وجود خدای متعال را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- استدلال از آیات الهی و نشانه‌های علم و قدرت و حکمت وی در جهان مانند دلیلهای نظم و عنایت .

ب- استدلال از بعضی از صفات مخلوقات بر نیاز آنها به آفریدگار مانند دلیلهای حدوث و حرکت .

ج- استدلال فلسفی خالص مانند برهان امکان و برهان صدیقین .

2- دو دسته اول برای اثبات وجوب وجود و بی‌نیازی مطلق الهی نیازمند به مقدمات براهین دسته سوم می‌باشند .

3- برهان امکان از چهار مقدمه تشکیل یافته و تقریر آن این است موجودات جهان ذاتا ممکن الوجود هستند ولی چون هیچ موجودی بدون وصف ضرورت و وجوب تحقق نمی‌یابد دارای وجوب بالغیر می‌باشند و عللی که وجود آنها را ایجاب می‌کند باید منتهی به واجب الوجود بالذات شوند تا دور و تسلسل در علل لازم نیاید .

4- تقریر دیگر آن این است که مجموعه ممکنات به هر صورتی فرض شوند دارای وجوب بالغیر هستند پس باید ورای آنها

موجودی باشد که وجوب بالذات داشته باشد تا در سایه او سایر موجودات واجب بالغیر شوند .

5- تقریر فشرده این برهان آن است که موجود خارجی یا واجب الوجود بالذات است و یا واجب الوجود بالغیر و واجب الوجودهای بالغیر باید منتهی به واجب الوجود بالذات شوند زیرا هر بالغیری محتاج به بالذات است .

6- برهان دوم از سه مقدمه تشکیل می‌یابد و تقریر آن این است موجودات این جهان چون ممکن الوجود هستند نیازمند به علت فاعلی می‌باشند و سلسله علل باید منتهی به علتی شود که معلول نباشد تا دور و تسلسل لازم نیاید .

7- ابن سینا این برهان را به این صورت تقریر کرده است موجود یا واجب الوجود است‌یا ممکن الوجود و وجود ممکن الوجود باید منتهی به واجب الوجود شود تا دور و تسلسل لازم نیاید .

8- این تقریر علاوه بر اینکه نیازی به بررسی صفات مخلوقات مانند حدوث و حرکت ندارد نیازی به اثبات وجود مخلوق خاصی هم ندارد زیرا نخستین مقدمه آن بصورت فرض و تردید بیان شده است .

9- برهان صدر المتالهین نیز از سه مقدمه تشکیل می‌یابد و تقریر آن این است اگر در راس سلسله مراتب وجود موجود بی‌نیاز و بی‌نهایت کاملی نمی‌بود سایر مراتب هم تحقق نمی‌یافت زیرا سایر مراتب عین ربط و تعلق هستند و اگر بدون مرتبه اعلای وجود تحقق یابند لازمه‌اش این است که غنی و بی نیاز از آن باشند .

10- مهمترین مزایای این برهان از این قرار است :

الف- با اصالت وجود مناسبتر است زیرا در آن از مفاهیم ماهیت و امکان استفاده نشده است .

ب- نیازی به ابطال دور و تسلسل ندارد .

ج- وحدت و سایر صفات کمالیه خدای متعال هم به کمك آن اثبات می‌شود